

نگاهی به دوران صفویه

آینهٔ عیب‌نما

(فریادی از کاخ‌های صفوی)

علی جلال‌پور

www.ketab.ir

انتشارات گفتمان اندیشه معاصر



گفتمان اندیشه معاصر

سرشناسه: جلال پور، علی، ۱۳۳۳ -
 عنوان و نام پدیدآور: آینه عیب‌نما: فریادی از کاخ‌های صفوی/علی جلال پور.
 مشخصات نشر: گفتمان اندیشه معاصر، ۱۴۰۰.
 مشخصات ظاهری: ۱۱۵۰ ص.
 شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۶۵۶-۶۰-۳
 وضعیت فهرست نویسی: فیبا
 یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۱۱۶-۱۱۲۳؛ همچنین به صورت زیرنویس.
 عنوان دیگر: نگاهی به فریاد کاخ‌های صفوی.
 موضوع: ایران -- تاریخ -- صفویان، ۹۰۷ - ۱۱۴۸ ق.
 Iran -- History -- Safavids، ۱۵۰۲ - ۱۷۳۶
 رده بندی کنگره: DSR1۱۷۶
 رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۷۱
 شماره کتابشناسی ملی: ۷۶۰۹۱۵۹

کلیه حقوق مادی و معنوی اثر متعلق به مولف است



کتابخانه ملی و اسناد ایران

۰۹۱۲۲۵۱۳۲۲۸

آینه عیب‌نما. نگاهی به دوران صفویه

نویسنده: علی جلال پور

ناشر: گفتمان اندیشه معاصر

طرح جلد: اندیشه دیگر

چاپ اول ۱۴۰۱

قیمت: ۶۵۰۰۰۰ تومان شمارگان: ۵۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۶۵۶-۶۰-۳

فهرست

۱۳	فرازی از زندگی مؤلف
۱۷	پیش گفتار
۳۰	پیام تاریخ
۳۷	شرحی بر نیاکان صفویان
۴۱	شیخ صفی‌الدین اردبیلی
۴۹	از صوفیگری تا پادشاهی
۵۶	تصوف و وجه تسمیه آن
۶۳	شیخ جنید سلطان می‌شود
۶۸	سلطان حیدر و ظهور شاه اسماعیل
۷۰	عقاید مذهبی اجداد صفویان
۷۷	تصوف عامیانه تا تشیع صفوی
۸۴	توافق فقها و سلاطین در حکومت صفویان
۹۱	اختلافات مذهبی ایران و عثمانی
۱۰۱	صفویان سید نبوده‌اند
۱۰۵	مراکز مهم سیاست‌گذاری و رفتار خشن صفویان
۱۱۲	مناصب و مشاغل عصر صفوی
۱۱۷	مقام زن در دوران صفویه
۱۲۲	سیر نزولی مقام زن در دوران صفویه
۱۲۸	ابعادی از فسق و فجور در عهد صفوی
۱۳۲	حرمسرای سلاطین صفوی
۱۳۵	دنایای درون حرمسراها
۱۴۵	کور شوید، دور شوید
۱۵۰	شاهان صفوی در ادبیات فولکلوریک ایران
۱۵۴	علل زوال و سقوط صفویان
۱۶۲	القاب و اسامی شاهان صفوی

۱۶۶	شاه اسماعیل اول
۱۷۵	چگونگی فوت شاه اسماعیل
۱۷۸	همسران شاه اسماعیل
۱۸۵	نبرد شاه اسماعیل با شییک خان
۱۹۵	شاه اسماعیل شاعر نبود
۱۹۹	تأثیر عقاید افراطی صوفیان بر شاه اسماعیل
۲۰۳	تشیع سیاسی شاه اسماعیل
۲۰۸	آیا شاه اسماعیل ذاتاً جانی بود؟
۲۱۵	تاج قزلباش
۲۲۱	مقدمات جنگ چالدران
۲۲۷	توصیف جنگ چالدران
۲۳۷	نتایج جنگ چالدران
۲۴۴	نقش نابخردی در شکست چالدران
۲۴۸	علت مراجعت سلطان سلیم از شهر تبریز
۲۵۴	شاه تهماسب اول
۲۶۰	شاه تهماسب از نظر ابوالقاسم طاهری
۲۶۲	اوضاع سیاسی اوایل حکومت شاه تهماسب
۲۶۹	عقاید مذهبی شاه تهماسب اول
۲۷۷	تأثیر عقاید کرکی بر فرهنگ صفویه
۲۷۹	توجهات مذهبی شاه تهماسب
۲۸۳	ترک شرابخواری شاه تهماسب
۲۸۵	شاه تهماسب و حرمسرا
۲۸۸	سازمان درباری شاه تهماسب
۲۹۱	انفجار عقده‌ها در مرگ شاه تهماسب
۲۹۵	تخریب قبر شاه تهماسب اول
۲۹۸	شاه تهماسب و خیانت برادران
۳۰۵	جنون ثروت اندوزی شاه تهماسب

۳۰۹	ارتباط شاه تهماسب و نوازندگان
۳۱۰	پناهندگی بایزید به دربار شاه تهماسب
۳۱۹	پناهندگی بایزید از نظر تاریخ ایلچی نظام شاه
۳۲۳	روابط ایران و عثمانی در زمان شاه تهماسب اول
۳۲۶	صلح آماسیه
۳۲۹	سربازان ینی چری
۳۳۴	جانشین شاه تهماسب
۳۳۸	وصیت‌نامه‌ی ساختگی برای شاه تهماسب اول
۳۴۲	حیدر میرزا و پادشاهی یک روزه
۳۴۶	شاه اسماعیل دوم
۳۵۵	تأثیر اختلافات سران قزلباش بر زندگی شاه اسماعیل
۳۵۹	پری خان خانم
۳۶۵	ندامت پری خان خانم از حمایت اسماعیل میرزا
۳۷۰	اسماعیل میرزا و زندان قهقهه
۳۸۱	آزمایش و مرگ ساختگی شاه اسماعیل دوم
۳۸۸	چگونگی فوت شاه اسماعیل دوم
۳۹۷	شاه اسماعیل و قتل عام شاهزادگان
۴۰۷	چگونگی قتل شاهزاده حسن میرزا
۴۱۰	مردم و شاه اسماعیل دوم
۴۱۳	عدم موفقیت سیاست مذهبی شاه اسماعیل دوم
۴۱۹	شاه محمد
۴۲۳	شاه محمد از نظر دکتر عبدالحسین نوایی
۴۲۷	ارزیابی محمد شاه
۴۳۰	محمد میرزا چگونه به پادشاهی رسید
۴۳۳	مهد علیا همسر شاه محمد
۴۳۹	علت قتل مهد علیا از نظر مؤلف تاریخ سلطانی
۴۴۲	همداستانی قزلباشان در قتل مهد علیا

هر که نامخت از گذشت روزگار
هیچ ناموزد ز هیچ آموزگار
رودکی

پیش گفتار

تاریخ نمایشگر بخشی از فراز و فرودهای زندگی بشر است که دست آورد و اندوخته‌های آن توسط مورخان و وقایع نگاران ثبت گردیده و در اختیار نسل‌های آینده قرار گرفته است. تاریخ را نباید به عنوان زباله دان زندگی نگریست زیرا اطلاعات آن گنجینه‌ی حافظه‌ی بشر است. درست است که تاریخ وقایع روزگاران گذشته را روایت کرده و تجزیه و تحلیل‌های متفاوت ارائه می‌دهد ولی باز هم در بین آن روایات به یک سری قواعد ثابت و پایدار از درون حوادث می‌توان دست یافت که راهگشای زندگی در آینده خواهد بود. اکثر مورخان یا وقایع نگاران بنا بر موقعیت و فضایی که در زمان خود قرار داشته‌اند گاه سلیقه‌ای عمل کرده و یا هرگز قادر نبوده‌اند که حقایق از حوادث عصر خود را بازگو کنند و اغلب به نحوی در توجیه آن‌ها پرداخته‌اند که در نهایت لطمه‌ای بر ابهت حاکمان وارد نیاید، بنابراین دست یافتن و اخذ نتایج منطقی از حوادث تاریخ کاری بس مشکل و دشوار خواهد بود. در جمع آوری مطالب این کتاب سعی گردیده که بخشی از آن وقایع خونبار و عوامل به وجود آورنده‌ی حوادث را با تمام زشتی‌هایش نشان دهد. در تمام دوران تاریخ ما شاهد دو طبقه‌ی حاکم و محکوم و یا به عبارت دیگر صاحبان حق و تکلیف می‌باشیم که همیشه گروهی با استفاده از امکانات و موقعیت خود بر عواطف و احساسات مردم مسلط گردیده و حاصل دسترنج مردم را در جهت اهداف و منافع خویش سوق داده‌اند. برداشت و قضاوت امروزی ما نسبت به آن نمایش‌های هزاران ساله بر این معیار قرار دارد که سردمداران گروه حاکم تا چه اندازه برای عظمت و بزرگی کشور اقدام کرده و آیا در این فراز و فرودها سهمی ناچیز برای طبقات محروم و مظلوم قائل بوده‌اند؟ مسلم است که برای ارزیابی این دیدگاه باید موقعیت و شرایط زمان را در نظر گرفت ولی

در این نکته نیز شکی نیست که تمام آن پیروزی و اقدامات با اتکا بر قدرت و توان مردمی انجام گرفته است که بعداً از حقوق و امکانات کشور برخوردار نشده‌اند. البته ذکر این نکته چیز عجیبی نیست و جنبه‌ی عمومی دارد، زیرا در سرتاسر تاریخ ایران همواره شاهد ابزاری نگرستن توده‌های مردم می‌باشیم و در هیچ مقطعی از کاسته شدن اهرم‌های قدرت در جهت منافع آنان خبری نیست و اگر در ابتدای تأسیس هر حکومت امتیازاتی به نفع مردم داده شده است بعد از مدتی کوتاه آن را به نفع طبقه‌ی حاکم از بین برده‌اند. در تمام اجرای آن نمایش‌های تاریخی اغلب حاکمان با کمک عوامل زور و تزویر تنها زندگی آرمانی را در افسانه و رؤیاها برای مردم ترسیم کرده و یا بهره‌مندی از آن را در جهان دیگر وعده داده‌اند. گذشت زمان در اجرای سیستم حکومت‌های استبدادی تأثیر چندانی نداشته و همیشه از روش یکسان تبعیت کرده‌اند و اگر در دنیای امروز اطلاعات و آگاهی ما از وقایع پشت پرده نسبت به حکومت‌ها افزایش یافته است تمام آن را مدیون گستردگی وسایل ارتباط جمعی و عریان سازی وقایع در سطح جوامع می‌باشیم. از آن جا که اغلب منابع تاریخی در جهت تأیید صاحبان قدرت نوشته شده و فجیع‌ترین قتل عام‌ها را جزو افتخارات، و یا شکست آنان را به منزله‌ی چشم زخمی قلمداد کرده‌اند، کنکاش و یافتن صحت و سقم رفتار پادشاهان کاری مشکل است. با مطالعه‌ی تاریخ این احساس اولیه به هر خواننده دست خواهد داد که سرنوشت مختوم توده‌های مردم به طور مداوم افتادن از چاله به چاهی دیگر بوده است و جایی از عبرت گرفتن حاکمان قدرت در جهت منافع ملی مطرح نیست ولی باید توجه داشت که هدف تاریخ دیکته کردن راه کارهای گذشته نیست و تنها می‌خواهد بهترین ابزار کنترل استبداد را که همان عدالت و آزادی است برای دیگران معرفی کند و این وظیفه‌ی ما و آیندگان است که باید بهترین گزینه‌ها را انتخاب کرده و از تکرار دوران ظلم و ستم جلوگیری کنیم. برای اهمیت تاریخ یکی از مورخان مشهور می‌گوید تا زمانی که انسان تاریخ نخوانده کودک می‌ماند. در ابتدا شاید تصور شود که او این سخن را برای بزرگنمایی رشته‌ی مورد علاقه‌ی خود گفته است، در حالی که آگاهی از شکست و یا پیروزی جوامع ما را از دنیای شادی کودکان بیرون خواهد برد و در اثر شناسایی آن علت و معلول‌هاست که قادر به جلوگیری از تکرار تاریخ خواهیم بود. هرچند مطالعه‌ی تاریخ باعث حزن و افسردگی می‌گردد، ولی راه گریزی نیست و برای شناخت گذشته‌امان چاره‌ای جز این راه وجود ندارد و باید بپذیریم که تنها مردگان

در مقابل سیر حوادث بی تفاوت خواهند بود. با آگاهی از صفحات خونبار تاریخ همین سرزمین است که متوجه خواهیم شد که ایرانی چگونه با پیکری درهم کوفته از بیدادگری‌ها و یورش‌ها باز هم استوار و با روحیه‌ای شکست‌ناپذیر به پا خاسته و از سرزمین و فرهنگ خود دفاع کرده است. با مطالعه‌ی تاریخ به این واقعیت پی می‌بریم که دیگر کشورها نیز تنها در جهت حفظ استقلال و منافع خود می‌کوشند و چه بسا در اثر همین تضاد منافع است که موجب پویایی و تحرک دولتمردان خواهد شد. اغلب مورخان یکی از دلایل ضعف حکومت صفوی را آرامش و صلح طولانی با دولت عثمانی می‌دانند که درباریان و اطرافیان فاسد صفوی را به سوی عیاشی و زنبارگی و خرافات سوق داد تا جایی که اگر محمود افغان نیز نمی‌بود دیر یا زود بر اثر ظلم و ستم و اختلافات مذهبی محمودهای دیگر پیدا می‌شدند که حکومت آنان را سرنگون سازند. تاریخ علمی است که در ورای پستی و بلندی‌ها ما را متوجه اهمیت نقش شخصیت‌ها در شکل دادن به سرنوشت و آینده‌ی کشور می‌سازد و به همه می‌آموزد که شخصیت‌های تاریخی در نیک بختی و یا تیره بختی مردم و به خصوص در دوران صفویه که در این کتاب مطرح گردیده چه نقش برجسته‌ای در ثبات خرافات و علل عقب ماندگی‌ها داشته‌اند. این علم تاریخ است که از چهره‌ی واقعی افراد پرده بر می‌دارد و نشان دهنده‌ی آن است که بت‌هایی چون شاهان صفوی چگونه باعث ترویج فساد و خرافات گردیده و یا به چه ابزار و ترفندی در تحکیم و تحمیل آن کوشیده‌اند. برای آشنایی بیشتر به عمق فاجعه و انتظار بفرموده باید مقایسه‌ای بین تحولات علمی اروپا و ایران عصر صفوی و بعد از آن صورت گیرد تا دریابیم که رفتار حاکمان چه تفاوتی با هزاران سال قبل داشته است؟ بررسی‌های تاریخ اجتماعی نشان می‌دهد که از گذشته تا به امروز تا چه اندازه مردمان عادی و متفکران آزادی خواه از مدعیان و حاکمان وقت جلوتر بوده‌اند و احترام به عقاید دیگران و آزادی چگونه می‌تواند ریشه‌ی تمام پلیدی و اختلافات را از بین ببرد. تاریخ نشان دهنده‌ی بسیاری از چراها و رسواگر چهره‌ی خائنانی خواهد بود که زمینه ساز به یغما بردن ثروت کشور گردیده و یا این که چه نقشی در تحکیم قفس‌ها و بند کشیدن آزاد اندیشان داشته‌اند. این تاریخ است که به ما می‌آموزد همیشه بیگانگان را مقصر در تعیین سرنوشت خود ندانیم و علت را در جای دیگر باید جستجو کرد و قبول کنیم که از ماست که برماست و هیچ گاه فراموش نکنیم که امیرکبیرها به دست برخی از توده‌های مردم و نا آگاه کشته شده‌اند، ولی و باز هم

تنها با اتکا به قدرت و توان همین مردم نجیب و بی نظیر است که در کنار رشد آزادی و آموزش صحیح قادر به ایجاد ایرانی آباد خواهیم بود. همان گونه که پیروزی افراد وابسته به استفاده از موقعیت‌ها می‌باشد در تاریخ کشور نیز این گونه خواهد بود. تمام مبارزات عصر مشروطیت تا به حال به خاطر رهایی از استبداد صورت گرفته تا بلکه مهر استبداد از پیشانی این ملت با فرهنگ و فرهیخته زدوده شود، ولی و آیا شکست و عدم دستیابی به آن‌ها تنها به خاطر بیگانگان بوده است؟ یکی از نکات عجیب و مبهم تاریخ در این نکته نهفته است که چرا استمدیدگان و شکنجه شدن دیروز پس از دستیابی به قدرت، همان روش‌های ظالمانه را در پیش گرفته‌اند و چرا به سرنوشت این کشتی طوفان زده که سلامتی همه به آن گره خورده است توجهی نکرده‌اند؟ توده‌های مردم از نتایج ناگوار و بلای خانمان سوز جدایی و تفرقه به خوبی آگاهند و اگر تمام امکانات و نیروی عظیم مردمی در جهت اجرای سیستم عدالت و آزادی و حقوق برابر هدایت شوند، آن وقت هیچ نیرویی قادر به تضعیف ساکنان این قاره‌ی کوچک و مردم مظلوم آن نخواهد بود. با اطمینان می‌توان گفت که هیچ گاه از اهمیت تاریخ کاسته نخواهد شد زیرا همه می‌خواهیم بدانیم که از کجا به این مرحله از زندگی رسیده‌ایم و باید قبول کنیم که تاریخ همانند چراغ راهنمایی است که با آگاهی و خردمندی عوامل ضعف و ترقی جوامع را در اختیار ما قرار خواهد داد. ما باید بدانیم که کی هستیم و اکنون در چه جایگاهی قرار داریم و در قضاوت دچار هیجان نشویم و از تجربه‌های تلخ سیاسی و مذهبی استفاده کنیم. تاریخ است که به ما نشان می‌دهد تفاوت بت سازها با بت شکن‌ها چیست و چرا نهال اندیشه‌های ایرانی در طی قرن‌های مختلف و در زیر سلطه‌ی حکومت‌های استبدادی و خصلت‌های چاپلوسی و فرصت طلبی بی ثمر مانده و اجازه‌ی رشد نیافته است؟ دکتر منوچهر پارسا دوست کلید دستیابی برای رفع این مشکلات را در استقرار آزادی می‌داند و می‌نویسد: «حفظ وحدت ملی در تقویت همبستگی بین کلیه‌ی قوم‌های ایرانی و راه اصلی رسیدن به آن استقرار آزادی و نهادینه شدن آن است و ریشه‌ی هرگونه نفاق و جدایی را از میان بر می‌دارد و کلیه‌ی افراد کشور را از هر قوم و مذهب به مشارکت عملی در اداره‌ی امور کشور تشویق می‌کند. آزادی، رشته‌ی نیرومندی است که همه‌ی ایرانیان را به یک دیگر و به سرزمین خود به گونه‌ی استوار پیوند می‌دهد و آنان را در غم‌ها و شادی‌ها و در سختی‌ها و آسودگی‌ها هم بسته و شریک می‌سازد. آزادی، تضمین کننده‌ی وحدت ملی و مشوق

همگان برای همکاری دسته جمعی در رفع دشواری‌ها و تنگناها و ساختن ایرانی آباد و پیشرو می‌باشد. آزادی پایه و اساس سلامت امروز و فردای جامعه ماست.^۱

تاریخ هیچ گاه نمی‌تواند بیانگر واقعی و توصیف کننده جنایات و پایمال کردن حقوق مردم توسط حاکمان عصر خود باشد، زیرا اکثر منابع تاریخی قابل اطمینان نیستند و تنها بر اساس مقایسه و تحلیل است که قادر به اخذ نتایجی از عملکرد و پشت پرده‌ی زندگی پادشاهان خواهیم بود. در هر سیستم استبدادی اغلب مورخان همانند مشاغل و پُست‌های حکومتی در خدمت شاهان بوده و حتی در صورت لزوم خطا و اشتباه آنان را نادیده گرفته و یا با توجیه مذهبی و ظل‌اللهی بودن حاکمان و کاربرد کلمه‌ی الله اعلم در لاپوشانی رفتارشان کوشیده‌اند. برای مثال به ستایش برخی از مورخان و جمعی از نیای صفویان در خانقاه اردبیل نسبت به جنایات بی حدّ افرادی چون چنگیز و تیمور می‌توان اشاره کرد. این معضل تاریخی را به ادوار مختلف می‌توان تعمیم داد زیرا آنان نیز چون برخی از شاعران همواره آماده‌ی مدح و کشف ماده تاریخ در آن خراب آباد فرهنگی برای صاحبان قدرت بوده‌اند. در این جا لازم به ذکر است که بسیاری از کارهای مورخان قابل توجیه و تأمل می‌باشد و نباید انتظاری خارق‌العاده از آنان داشت، زیرا همیشه لبه‌ی تیغ شمشیر را بر گردن خود احساس کرده‌اند و این امر مشمول کل تاریخ ایران بوده است. از آن جا که کسب مقام پادشاهی در گرو مهارت بیشتر در قتل عام و زهر چشم گرفتن از مردم استوار بوده، بنابراین بیشتر محتوای تاریخ بر این محور تمرکز یافته است و در نتیجه اطلاعات امروز مردم در مورد تیمور و چنگیز و امثال آن بیشتر از قهرمانان ملی و علل عقب ماندگی‌ها می‌باشد.

تا قبل از مشروطیت بینش و روش تاریخ نگاران بر مبنای شرح مختصر حکومت‌های گذشته نوشته می‌شد و سپس به ثبت مطالب زمان خود می‌پرداخته‌اند و در این میان سخنی از وضع زندگی و علت قیام مردم مطرح نیست و سعی گردیده که طبق معمول بعد از اسلام حسن میهن پرستی ایرانیان نادیده گرفته شود. در روش آن‌ها علاوه بر نثر پیچیده و جنبه‌ی دستوری و فرمایشی و توصیف‌های مبالغه آمیز، آن چه که در محتوای مطالب غلبه دارد بینش و ایدئولوژی اسلامی و حقانیت شیعه و مخالفت با عقاید دیگران و به خصوص در دوران صفویه سنی کشی می‌باشد. از دیدگاه آنان همواره حق از حاکمان زمان بوده و با

۱ - شاه محمّد، پادشاهی که شاه نبود، دکتر منوچهر پارسا دوست، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۱، ص ۱۴

افتخار قتل و غارت و کشتار مردم را جزو اعمال برجسته قلمداد کرده‌اند. تاریخ‌نگاری آن‌ها را باید تاریخ سلطانی دانست و اغلب برای مشروعیت بخشیدن اعمال پادشاهان به آیات قرآن و یا حدیث توسل جسته‌اند. با توجه به این موارد می‌توان ادعا کرد که در اکثر منابع صفویه خصومت ورزی مورخان نسبت به شورش‌ها و قیام‌های داخلی کاملاً مشهود است و برای مرشد کامل و فجایع و فرزندکشی‌ها و کباب کردن انسان‌ها و آدم‌خواری و به خر کشیدن زنان جایگاه و خطایی متصور نیست. البته باید توجه داشت که وقوع این حوادث دردناک تنها مربوط به کشور ما نمی‌باشد و صفحات خونبار تاریخ مملو از حوادث قرون وسطی و محکمه‌های تفتیش عقاید و اعمال دولت عثمانی و دیگر کشورهای همجوار ایران می‌باشد.

در این مجموعه توصیف زندگی و حوادث پشت پرده‌ی حاکمان صفوی بر دیگر مطالب غلبه دارد. مهمترین وجه تمایز دولت صفوی نسبت به ادوار دیگر ایجاد حکومتی متمرکز با تسلط عقاید شیعه صفوی و آثار طولانی آن بر آداب و سنن تا عصر حاضر می‌باشد. اگر حکومت صفوی را در خارج از پوسته‌ی مذهبی آن در نظر گیریم دیگر هیچ تفاوتی با حکومت‌های ما قبل خود نخواهد داشت. یکی از ویژگی‌های مشترک شاهان صفوی با حاکمان مستبد دیگر دارا بودن صفات خودخواهی و خودمحوری توأم با بی‌رحمی و خونریزی آنان می‌باشد و در این زمینه حتی شاهان صفوی و به خصوص در نیمه‌ی اول آن دست برتر نیز داشته‌اند. حاکمان هر عصری اهداف توسعه‌طلبانه‌ی خود را با تبلیغات و بهانه‌های مختلف در هم آمیخته و به اجرای آن پرداخته‌اند و در مورد اعمال شاهان صفوی نیز توجیه و تفسیر مذهبی بر هر چیز دیگر غلبه دارد. دیدگاه و ارزیابی مورخان نسبت به دوران صفویه متفاوت است. برخی ظهور آن را در کنار چهار امپراتوری تاریخ ایران و به خصوص بعد از اسلام ستوده و برخی آثار باقیمانده‌ی آن را مخرب‌تر از حملات ترک‌ها دانسته‌اند. با توجه به تمام ابهامات و نواقصی که در متون تاریخ صفوی وجود دارد بر این نکته می‌توان یقین داشت که تمام آن تغییر و تحولات هیچ گاه در زندگی و آسایش توده‌های مردم به وجود نیاورده و همیشه چون مرغ خانگی در عزا و عروسی از آنان استفاده کرده‌اند. دکتر جهانبخش ثواقب در باره اهمیت ظهور دولت صفویه می‌نویسد: «ظهور حکومت صفوی در صحنه‌ی تاریخ ایران پس از قرن‌ها گسیختگی قومی و فرهنگی و اداری باید حادثه تاریخی با اهمیتی تلقی شود. صفویان بنیانگذاری دولت مستقلی شدند